

عنوان مقاله:

موانع مشارکت سیاسی زنان

محل انتشار:

فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره 3، شماره 12 (سال: 1383)

تعداد صفحات اصل مقاله: 59

نویسنده:

abbas mohamadi asi

خلاصه مقاله:

موضوع جامعه شناسی سیاسی بطور کلی عبارت است از بررسی شکاف های جامعه، گروه بندی های اجتماعی ناشی از آن و تاثیر نیروی این گروه بندی های اجتماعی بر عرصه های سیاسی. به این لحاظ هدف از مطالعه حاضر نیز تامل در نقش نیروهای ناشی از گروه بندی های برآمده از شکاف های اجتماعی است؛ چرا که در جامعه شناسی سیاسی، غرض اساسی از بررسی جامعه همانا تبیین عرصه سیاسی است. در این میان یکی از مباحث عمده جامعه شناسی بر آن تعلق دارد که نشان دهد پویایی جامعه و دولت تا چه حد محصول فعال شدن یا غیرفعال شدن شکاف های اجتماعی در طی زمان است. یکی از این شکاف های اجتماعی، شکاف جنسی است. شکاف جنسی به عنوان یک شکاف ساختی از تقسیم جمعیت جامعه بر دو گروه مردان و زنان به وجود می آید. به علاوه حالت فعالی و انفعالی شکاف مزبور برحسب نوع جامعه به سه نوع تقسیم می شود: اولاً در جامعه سنتی که زنان تابع شوهرانند و نقش سیاسی ندارند این شکاف فعال نیست؛ ثانیاً در جامعه نوین تحولات گسترده اجتماعی موجب فعال شدن این شکاف در قالب درخواست حق رای و نمایندگی در نهادهای پارلمانی و مواردی از این قبیل می شود؛ ثالثاً در جوامع در حال گذار این شکاف نیمه فعال است؛ بدین معنی که گاه برحسب حضور و تلاش های سایر شکاف ها، همچون جناح بندی های سیاسی فعال شده، به تراکم می گراید و زمانی از فعالیت بازمی ایستد؛ که از این حیث بررسی اثرات آن برای پژوهندگان اجتماعی از اهمیتی تام برخوردار است. در این راستا به نظر می رسد جامعه سیاسی فعلی ایران به عنوان یک جامعه در حال گذار با وضعیت اخیر شکاف جنسی مواجه باشد. در این حیطه، اندیشه سنتی سیاسی که در برابر آراء سیاسی صف آرایی کرده، در موارد بسیار، از جمله تدوین قواعد مردسالاری، همین اصول را به متن قانون اساسی تزریق کرده است. این در حالی است که فرهنگ سیاسی مردسالاری لاجرم مبتنی بر تدوین قواعد «تبعیت زنان از شوهران» خصوصاً در عرصه سیاسی و ناگزیر غیرفعال داشتن آن است. این عملکرد البته در قالب تصمیم گیری پنهان، ایجاد منافع کاذب و نظام انضباطی تامین منافع مردسالارانه و بر پایه بازتولید روابط اجتماعی، چنان وارد صحنه شده که به کنترل و غیرفعال نگه داشتن شکاف جنسی منتهی شود. با این همه در مواردی چون حضور زنان در صحنه انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶، مشاهده می شود که چگونه جناح های سیاسی اصلاح گرا توانستند فعالیت این شکاف را به شکل متراکم بر شکاف جناحی خود باز کنند و از اثرات آن در صحنه سیاست سود بگیرند. تحقیق حاضر می کوشد بخشی از موانع مشارکت سیاسی زنان را در جامعه فعلی ایران بررسی کند و نشان دهد از چه وضعیتی برخوردار است.

کلمات کلیدی:

Political Co-operation, Revolution, Women, انقلاب, زنان, مشارکت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1846447>

